

نامی که پیامبر(ص) بر نبیره‌اش گذاشت

۳۱ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۵۹

ابوبصیر نقل می‌کند: با امام باقر(ع) وارد مسجد شدیم، حضرت به من فرمود: از مردم بپرس که آیا ابوجعفر را می‌بینید. از هر کس پرسیدم، گفت نه! تا آنکه نابینایی داخل شد، حضرت فرمود از او بپرس!

پنجمین ستاره آسمان ولایت و امامت حضرت محمد بن علی بن حسین(ع) به باقر شهرت یافته است، مادر آن حضرت، فاطمه دختر امام حسن بن علی(ع) است که امام صادق(ع) از وی با تعبیر «کانت صدیقه لم تدرک مثلها فی آل الحسن» یاد کرده‌اند(۱)، به این ترتیب، امام باقر(ع) نخستین کسی است که پدرش از نسل امام حسین(ع) و مادرش از نسل امام حسن(ع) است.(۲) روز تولد آن حضرت(ع) را در برخی نقل‌ها اول رجب و در برخی دیگر سوم صفر دانسته‌اند(۳)، سال تولد امام(ع) در منابع متعددی ۵۷ هجری(۴) و در برخی منابع سال ۵۶ یا ۵۸، سال تولد آن حضرت بیان شده است.(۵)

یعقوبی از آن حضرت(ع) روایت می‌کند که فرمود: «قتل جدّی الحسین و لیّ اربع سنین و ائی لأذکر مقتله و ما نألنا فی ذلک الوقت»(۶)، هنگامی که جدم حسین(ع) به شهادت رسید، من چهار ساله بودم و جریان شهادت آن حضرت و آنچه در آن روز بر ما گذشت همه را به یاد دارم.

امام محمد بن علی(ع)، افزون بر لقب «شاکر» و «هادی» به طور عمده به لقب «باقر» شهرت یافته است، معنای «باقر» شکافنده است که جابر بن یزید جعفی در توضیح آن گوید: «لأنّه بقر العلم بقرّاً ای شقّه و أظهره اظهاراً»(۷)، زیرا آن حضرت علم را شکافت و رموز و دقایق آن را روشن ساخت، یعقوبی می‌نویسد: «کان سُمّی الباقِرَ لأنّه أَبَقَرَ العلم»،(۸) بدان سبب باقر نامیده شد که علم را شکافت.

جابر بن عبدالله انصاری روایتی در فضیلت امام باقر(ع) نقل کرده که به نوشته ابن شهر آشوب، فقهای مدینه و عراق، همگی آن را روایت کرده‌اند(۹)، در این روایت جابر می‌گوید: رسول خدا(ص) مرا مورد خطاب قرار داد و فرمود: «آنک تبقی حتی تری رجلاً من وُلدی أشبه الناس بی اسمه علی اسمی، اذا رأیته لم یُخَلّ علیک فأقرّته منی السّلام»، تو بعد از من چندان زنده می‌مانی که مردی از فرزندان مرا - که شبیه‌ترین مردم به من و نامش مطابق نام من باشد - زیارت کنی، وقتی که او را دیدی، سلام مرا به او برسان و این سفارش مرا حتماً عمل کرده و سهل مگیر، نقل این روایت از رسول خدا(ص) باعث شهرت امام باقر(ع) به این لقب شد.

به مناسبت میلاد سراسر نور باقر آل محمد در ادامه نمونه‌ای از کرامات حضرت(ع) می‌آید:

*شکایت یک پرنده نزد امام باقر(ع)

جابر جعفی نقل می کند که با حضرت(ع) همسفر حج بودم که در راه پرنده قمری بر کجاوه نشست و صدا می کرد، من خواستم او را بگیرم، حضرت فرمود: جابر او را نیازار، به ما پناه آورده است، او از ماری شکایت می کند که جوجه های او را می خورد می خواهد تا من دعایش کنم از شر او ایمن شود... راه را ادامه دادیم، آن حضرت از کجاوه پیاده شد و به سوی ریگزاری رفت و ریگ ها را کنار زد، از زیر سنگی چشمه ای جوشید از آب آن سیراب شده و وضو گرفتیم... هنگام صبح به نخلستانی رسیدیم، نزدیک نخل خشکی رفت و فرمود: ای نخل! ما را اطعام کن نخل سبز شد و کج شد، پر از خرما که ما از آن سیر خوردیم.(۱۰)

*محدثی که بینا شد اما ...

ابوبصیر نقل می کند: به حضرت(ع) عرض کردم من شیعه و دوست شما هستم و نابینا و ناتوان، بهشت را برای من ضامن شوید، دست به چشم من کشید، بینا شدم و همه ائمه را در حضور آن حضرت مشاهده کردم و سپس گفت: به اطراف نگاه کن به خدا جز سگ، خوک و میمون ندیدم، دست بر چشم من کشید دوباره به حالت اول برگشتم.(۱۱)

*بشارت ولادت دو نفر از شیعیان

باز ابوبصیر روایت می کند: حضرت باقر(ع) به من فرمود: وقتی به کوفه برگردی، پسری برای تو متولد می شود و او را عیسی می نامی و پسر دیگری که او را محمد می نامی که آن ها از شیعیان ما هستند... برگشتم هر دو واقع شد.(۱۲)

*نابینایی که در میان بینایان امام(ع) را دید

قطب راوندی از ابوبصیر نقل می کند: با امام باقر(ع) وارد مسجد شدیم، حضرت به من فرمود: از مردم بپرس که آیا ابوجعفر را می بینید از هر کس پرسیدم، گفت نه! تا آنکه ابوهارون مکفوف (نابینا) داخل شد، حضرت فرمود از او بپرس، پرسیدم، گفت: آیا آن حضرت نیست که ایستاده است! گفتم از کجا فهمیدی پاسخ داد چگونه نبینم در حالی که آن حضرت نوری درخشنده است.(۱۳)[۵]

*پی نوشت ها:

۱- دعوات راوندی، ص ۶۸، حدیث ۱۶۵؛ بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۵.

۲- عمده الطالب، ص ۱۹۵. همچنین فرزندان حسن مثنی نیز که مادرشان فاطمه دختر امام حسین(ع) بود، همین ویژگی را داشتند.

۳- قول اول در مسار الشيعه، ص ۳۳ و قول دوم در كشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۶ آمده است.

۴- کلینی، شیخ مفید و شیخ طوسی در الکافی ج ۱، ص ۴۶۹، مسار الشيعه، ص ۳۳ و التهذيب، ج ۶، ص ۷۷ این سال را یاد کرده‌اند.

۵- اثبات الوصیه، ص ۱۷۳.

۶- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

۷- علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۳۳.

۸- یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

۹- نک: بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۴.

۱۰- حر عاملی، اثبات الهداه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ج ۵، ص ۳۰۲.

۱۱- همان، ص ۳۰۳.

۱۲- همان، ص ۳۰۵.

۱۳- شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، قم، هجرت، چاپ اول، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۱۹۰.

منبعفارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۰۱۴۱/پیامبر-نام/۳۰۱۴۱>